



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نقش ائمه علیهم السلام
در تفسیر و تبیین قرآن

لطیف دانش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش ائمه عليهم السلام در تفسیر و تبیین قرآن

نویسنده:

لطیف دانش

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	نقش ائمه در تفسیر و تبیین قرآن
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۸	تفسیر از نظر لغت
۸	تفسیر در اصطلاح
۹	نیازمندی قرآن به تفسیر
۹	برتری قرآن و تفسیر نسبت به سایر علوم
۹	مفهوم اهل بیت
۱۰	تعداد اهل بیت
۱۰	آراء و نظرات درباره اهل بیت
۱۰	ارزش معرفت اهل بیت
۱۰	اشاره
۱۱	روایات
۱۱	قرآن
۱۱	دلایل حجیت قول اهل البیت
۱۱	آیات
۱۱	مطهران مفسران واقعی
۱۱	وارثان کتاب و برگزیدگان خدا
۱۲	روایات
۱۲	اشاره
۱۲	حدیث تقلین
۱۲	حدیث سفینه

- ۱۲ حدیث امان
- ۱۲ قرآن و حدیث
- ۱۲ علم معصومین
- ۱۳ ضرورت وجود امام مفسر
- ۱۳ عقلی
- ۱۳ تاریخی
- ۱۳ تاریخ تفسیر ائمه
- ۱۳ اشاره
- ۱۴ امیرالمؤمنین و تفسیر قرآن
- ۱۴ ائمه و تربیت مفسران
- ۱۵ ائمه و نهی از تفسیر به رأی
- ۱۵ بررسی روایات تفسیر به رأی
- ۱۵ تمایز مکتب تفسیری اهل بیت
- ۱۵ اصالت بخشیدن به قرآن
- ۱۶ حجم آگاهی ایشان در مورد مفاهیم قرآنی
- ۱۶ اصول و مبانی تفسیری اهل بیت
- ۱۶ اشاره
- ۱۶ قرآن کتابی است که به زبان مردم نازل شده
- ۱۶ قرآن کلام خدا است
- ۱۶ التزام به وحی بیانی
- ۱۷ یاری جستن از قواعد عقلی
- ۱۷ روش‌های تفسیری اهل بیت
- ۱۷ تفسیر قرآن به قرآن
- ۱۷ تفسیر با استناد به قواعد عربی

۱۷	روش تفسیر روایی
۱۸	تفسیر عقلی
۱۸	تفسیر علمی
۱۸	تفسیر به تاریخ
۱۸	تفسیر قرآن به لغت
۱۹	تفسیر به تشبیه و تمثیل
۱۹	پاورقی
۲۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نقش ائمه در تفسیر و تبیین قرآن

مشخصات کتاب

مؤلف: لطیف دانش

مقدمه

الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و السلام علی سیدنا و شفیع ذنوبنا. ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و علی آله الطیبین المعصومین علیهم السلام. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا [۱]. بنده چون دیدم اطلاع چندانی در این زمینه ندارم و نقش و اهمیت اهل بیت را نمی‌توانستم نادیده بگیرم بر آن شدم اندک تحقیقی در این زمینه بکنم تا وسعت دید بهتری بر اهلیت در تفسیر بیابم. و من الله التوفیق

تفسیر از نظر لغت

این واژه از فسر به معنای بیان، پرده برداشتن و کشف کردن است و خود، مقلوب واژه سفر می‌باشد. راغب اصفهانی می‌گوید: فسر و سفر در لفظ و معنا نزدیک هم هستند. زیرا هر دو به معنای کشف پرده برداشتن روشن کردن است، اما با تفاوتی اندک، چرا که فسر برای روشن کردن امور معنوی و درک معنای صحیح و معقول الفاظ به کار می‌رود، ولی سفر برای ظاهر کردن اجسام مادی برای دیدن با چشم به کار می‌آید. [۲]. فیومی در مصباح المنیر می‌نویسد: فسرت الشیء افسراً من باب ضرب، بیئتة و أوضحته. [۳]. در تاج العروس آمده است: الفَسْرُ الابانَةُ و کشف المغطی و الفسر نظر الطیب الی الماء کا التفسره او هی ای التفسر البول یستدل به علی المریض، التفسیر و التأویل و المعنی واحد. [۴]. واژه فسر به معنای شکافتن و پرده برداری است، و نیز مانند تفسیره به معنای نظر کردن طیب است که به بول بیمار با آزمایش نظر می‌اندازد و به بیماری او پی می‌برد. تفسیر و تأویل به یک معنا است. در مجموع از تعریف‌های اهل لغت روشن می‌شود که رد معنای تفسیر، بر بیان، اظهار و پرده برداری از معنای الفاظ تکیه شده است. تفسیر مصدر باب تفعیل که آن هم به معنای پرده برداشتن و کشف است به مقتضای ذاتی خود از نوعی مبالغه برخوردار است که تفاوتی با فسر پیدا می‌کند زیرا ممکن است فسر که به مفهوم روشن کردن است به خودی خود صورت گیرد؛ اما تفسیر، توضیح و کشف لفظ، همراه، تلاش و کوشش است که اگر مفهوم کلامی روشن نباشد، بدون تلاش و کوشش به طور کامل پرده برداری صورت نمی‌گیرد و خفای آن از بین نمی‌رود. و این تفاوت بین ترجمه و تفسیر نیز وجود دارد، چرا که ترجمه تنها روشن کردن معنای لغت و واژه است؛ اما تفسیر توضیح و کشف همراه با تلاش است. [۵].

تفسیر در اصطلاح

در اصطلاح دانشمندان تفسیر به دو معنا آمده است. الف) تفسیر از اقسام بدیع و محسنات معنوی است، بدین معنا که تکلم سختی می‌آورد که فهم آن نیاز به سخن دیگری دارد. ب) تفسیر علمی است که مفاهیم الفاظ و کلام خداوند را روشن می‌کند. و مراد از تفسیر قرآن، اصطلاح دوم است. علامه طباطبایی در تعریف علم تفسیر می‌فرماید: هو بیان معانی الآیات القرآنیة و الکشف عن مقاصدها و مدالیلها. [۶] تفسیر بیان معانی قرآنی و روشن کردن مقصود و مدلول آنهاست. زرکشی از دانشمندان علوم قرآنی هو علم یفهم به کتاب الله تعالی المنزل علی نبیّه و بیان معانیه و استخراج احکامه و حکمه، [۷] یکی از دانشمندان علوم قرآنی می‌نویسد

و اصطلاحاً علی ان التفسیر هو: ازالة الابهام عن اللفظ و المشکل، ای المشکل فی افاده المعنی المقصود، تفسیر، بر طرف کردن ابهام از لفظی است که فهم معنای مقصود آن مشکل است.

نیازمندی قرآن به تفسیر

البته این صحیح است که قرآن متناسب با نیازهای مردم جامعه و همگام با حوادث و وقایع گوناگون نازل می‌شده و آنان که به زبان عربی تسلط داشتند وظیفه خود را می‌فهمیدند و این آیات برای همه قابل فهم بود. و چه بسا که عده‌ای با شنیدن آیات تحوّل درونی در آنان به وجود می‌آمد و متحول می‌شدند با این وجود امور زیر نیازمندی قرآن به تفسیر را روشن می‌کند. الف) آیات قرآن از جانب کسی نازل شده که بر تمامی اسرار طبیعت و جهان آشنا بوده و دانش را پایان‌ناپذیر است. (قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ). [۸] به این جهت الفاظ قرآن اگر چند گویا و رسا باشد، گنجایش مفاهیم بلندمرتبه و دانش بی‌کران خداوند را ندارد، چرا که الفاظ مربوط به محسوسات و عالم ماده است و برای درک مفاهیم عالیه معنوی الفاظ قرآن نیاز به تفسیر بیشتری دارند. ب) خداوند برای بیان احکام به کلیات اشاره کرده است و به بسیاری از جزئیات اشاره نکرده. و این وظیفه را به عهده مفسّر و اگذار کرده. به طول مثال در قرآن، نماز خواندن آمده ولی تعداد رکعات آن بیان نشده و این وظیفه را به مفسّر واگذار کرده. ج) بیشتر آیات قرآن در رابطه با حوادث و موضوعات خاص نازل شده و فقط کسانی که در موقع نزول آنجا بوده‌اند عمق آن را می‌فهمند و از کم و کیف آن آگاهی دارند ولی دیگران که از چگونگی نزول وحلی دانشی ندارند، مطالب برای آنان به طور کلی مفهوم نیست. د) قرآن کتابی است در حد اعجاز فصاحت و بلاغت و پر از کنایات و استعارات و این رموز احتیاج به تفسیر دارد. ه) قرآن دارای آیات متشابه، عمومات، مطلقات، مجملات و مفهوم مخصص و مقید، مبین و دانش تأویل متشابهات نزد مفسّر عالم باید یافت.

برتری قرآن و تفسیر نسبت به سایر علوم

میزان ارزش هر علم نسبت به سایر علوم به سه عامل موضوع، غرض و نیاز بشر به آن سنجیده می‌شود و قرآن کریم و تفسیر آن از هر لحاظ نسبت به سایر علوم برتری دارند. ۱- از لحاظ موضوع: موضوع تفسیر، کلام خداست که خود برترین موضوع است. رسول خدا(ص) فرمود: فضل القرآن علی سائر الکلام کفضل الله علی خلقه. [۹]. ۲- از جهت غرض: گرچه هدف اولیه این علم، روشن کردن کلام الهی است ولی غایت در این علم، همانطور که در خود قرآن نیز چنین می‌باشد. عبارت است از هدایت انسان‌ها و معرف خداوند تبارک و تعالی. ۳- نیازمندی بیشتر بشر به آن: سایر قوانین بشری دارای نقص هستند وقتی نمی‌توانند منافع دنیایی انسان را فراهم کنند. در سفری همراه رسول خدا بودم. گفتم یا رسول الله، ما را حدیثی بگو که در او نفعی باشد. ان اردتم عیش السعداء معاذ بن جبل می‌گوید: و موت الشهداء و النجاء یوم الحشر و الظل یوم الحرور و الهدی یوم الظلاله فادر سوا القرآن. فأنه کلام الرحمن و حرز من الشیطان و رحجان فی المیزان. [۱۰].

مفهوم اهل بیت

اهل بیت معنی گسترده‌ای دارد که فقط مختص به پیامبر(ص)، فاطمه، علی، حسن و حسین نیست. بلکه مطابق روایات رسیده از پیامبر(ص) آنان شامل چهارده معصوم می‌شوند که عبارتند از پیامبر(ص)، فاطمه زهرا(س)، علی ابن ابیطالب حسن بن علی، حسن بن علی (و نه اولاد از نسل امام حسین(ع) شامل، علی بن حسین، محمد بن علی الباقر، جعفر بن محمد الصادق، موسی ابن جعفر الکاظم، علی بن موسی الرضا، محمد بن علی الجواد، علی بن محمد الهادی، حسن بن علی العسکری و حجه بن الحسن المهدی.

[۱۱].

تعداد اهل بیت

در روایتی از ابوهریره وارد شده که رسول خدا فرمود: ان الصدقه لاتحلّ لی ولا لاهل بیتی فقلنا: یا رسول الله! من اهل بیتک، قال: اهل بیتی و عترتی من لحمی و دمی، هم الائمه بعدی عدد نباء بنی اسرائیل [۱۲]. روایت جابر بن سمره جابر بن سمره می‌گوید پیامبر اکرم (ص) فرمود: ان هذا الأمر لا ینقضی حتی یمضی فیهم اثنا عشر خلیفه، قال: ثمّ تکلم بکلام خفی علیّ فقلت لابی: ما قال؟ قال: کلهم من قریش. [۱۳]. روایت ابن عباس: ابن عباس فی قوله تعالی و السماء ذات البروج قال رسول الله (ص): انا السماء و اما البروج فالائمه من اهل بیتی و عترتی، اولهم علی و اخرهم المهدي و هم اثنا عشر. [۱۴].

آراء و نظرات درباره اهل بیت

نظریه اول: برخی از مفسران اهل سنت اهل بیت را به عنوان همسران پیامبر تفسیر کرده‌اند. طبق این نظریه علی و فاطمه و حسن و حسین: جزء اهل بیت نیستند به تعبیر اهل بیت از اقوام سببی پیامبر هستند و هیچ یک از منسوبین نسبی آن حضرت شامل اهل بیت نمی‌شوند. دلیل این نظریه این است که آیه تطهیر در بین آیاتی است که همگی مربوط به زنان پیامبر (ص) است، چرا که آیات قبل و بعد آیه تطهیر مربوط به زنان پیامبرند پس سیاق آیه اقتضاء می‌کند که این آیه شریفه نیز مربوط به همسران پیامبر (ص) می‌باشد. نقد نظریه: همانطور که گذشت در آیات پنجگانه قبل از آیه تطهیر و نیز در صدر آیه ۳۲، احزاب که آیه تطهیر در ذیل آن آمده است مجموعاً ۲۵ ضمیر و فعل به صورت مؤنث آمده است، و در آیه بعد ۳۳ نیز فعل و ضمیر مؤنث به کار رفته است، اما ضمائر و افعال آیه تطهیر همه مذکرند که یا شامل مردان می‌شوند و یا شامل مردان و زنان می‌شوند و قطعاً شامل عده‌ای از زنان به تنهایی نمی‌شوند. طبق این بیان منظور از اهل بیت قطعاً نمی‌توانند، همسران پیامبر (ص) باشند، بلکه منظور افراد دیگرند که باید با دلیل آن افراد در جهت. نظریه دوم: طبق این نظریه منظور از اهل بیت: شخص پیامبر (ص) فاطمه، علی، حسن و حسین و همسران پیامبر (ص) باشند. نقد نظریه: با توجه به شرح و تفسیر آیه تطهیر اهل بیت باید دارای ویژگی عصمت مطلقه باشند. و حال آنکه هیچ یک از مفسران شیعه یا سنی، برای همسران پیامبر (ص) قائل به عصمت نشده‌اند. و حتی نسبت به بعضی از آنها نه تنها نمی‌توان ادعای عصمت کرد بلکه می‌توان ارتکاب گناهان بزرگی را با ادله و شواهد روشن، به اثبات رساند. نظریه سوم: برخی دیگر از مفسرین اهل بیت را به ساکنین مکه تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند: منظور از البیت خانه خدا، کعبه معظمه است. بنابراین اهل البیت براهالی و ساکنین مکه اطلاق می‌شود. نقد نظریه: مردم مکه هیچ گونه برتری نسبت به مردم مدینه نداشته‌اند، تا خداوند رجس و پلیدی را فقط از ساکنین این شهر دور کرده‌باشد. نظریه چهارم: این قول نظریه تمام علمای شیعه است که هیچ اشکالی بر آن وارد نمی‌باشد و آن اینکه: منظور از اهل بیت افراد خاصی از خاندان پیامبر یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین و نه تن از اولاد امام حسین. که در این باره روایات زیادی وجود دارد دال بر صحت این نظریه، چه در کتب عامه و چه در کتب خاصه که علامه طباطبایی این روایات را بیش از هفتاد می‌داد و می‌فرماید آنها از طریق اهل سنت است.

ارزش معرفت اهل بیت

اشاره

بدون شک شناخت اهل بیت و معرفت پیدا کردن نسبت به این خاندان اهمیت ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی دارد که عده‌ای روی

شاملین به اهل بیت اختلاف کرده‌اند و روی این قضیه بحث‌ها انجام داده و هر گروه خود را بر حق می‌دانند. حال توجه می‌کنیم به بعضی از روایات که بیانگر اهمیت اهل بیت است، تا این نکته روشن شود:

روایات

قال رسول الله (ص): معرفة آل محمد برائة من النار و حسب آل محمد جواز على الصراط و الولاية لآل محمد امان من العذاب. [۱۵].
 قال رسول الله (ص)، من الله عليه بمعرفة اهل بيتي و ولايتهم نقد جمع الله له الخير كله. [۱۶]. خبش الكنانی: سمعت اباذر يقول - و هو اخذ بباب الكعبة - من عرفني فانا من سمعت النبي صلى الله عليه و آله و سلم يقول: الا ان مثل اهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من قومه من ركبها نجا، و من تخلف عنها غرق.

قرآن

خداوند در سوره مائده، ۳: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) رسول از طرف خداوند در این آیه به وضوح عترت را مکمل قرآن ذکر می‌کنند. و برگزیده شدن حضرت علی (ع) به عنوان تمام و کمال بودن نعمت.

دلایل حجیت قول اهل البيت

آیات

مطهران مفسران واقعی

دو آیه از قرآن کریم روشن‌گر این مطلب است که اهلیت و امامان مطهران حقیقی‌ان و مطهران مفسران واقعی قرآن هستند. الف) آیه تطهیر: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا). [۱۷]. ب) آیه مس: (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ). [۱۸].
 ۱ - آیه نخست می‌فرماید: که مطهران و پاکیزگان حقیقی (مطهر از هر نوع رجس و بدی که ال استغراق آن را می‌رساند) اهل بیت هستند. ۲ - آیه دوم می‌فرماید: به قرآن نمی‌رسند مگر مطهران و پاکیزگان. از مجموع این دو آیه چنین نتیجه گرفته می‌شود. به قرآن نمی‌رسند مگر اهل بیت:.

وارثان کتاب و برگزیدگان خدا

خداوند متعال می‌فرماید: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتُونَ اللَّهَ ذَلِكُمْ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ). [۱۹]. سپس این کتاب آسمانی را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث داریم (اما) از میان آنها عده‌ای بر خود ستم کردند و عده‌ای میانه رو بودند، و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها پیشی گرفتند. و این، همان فضیلت بزرگ است. نمی‌توان گفت که منظور از اورثنا الذین اصطفینا. تمام امت اسلامی است، چرا که مصطفین و برگزیدگان در فرهنگ قرآن افراد خاصی هستند مانند پیامبر، امامان معصوم، یا فرمانده لائق، آگاه و با اخلاص. و طبق آیه‌ای که جایگاه الذین اصطفینا را در قیامت روشن می‌کند و می‌فرماید: (جَنَّاتٌ عَرْدُنِ يَدْخُلُونَهَا). [۲۰]. که جایگاه الذین اصطفینا را بهشت معرفی کرده، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از برگزیدگان تمام امت نیست، چرا که ظالم، مقتصد و سابق با الخیرات طبق گواهی قرآن جایگاهشان (طبق گواهی قرآن) پست‌ترین جایگاه از جهنم است. [۲۱]. علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: و اختلفوا فی هؤلاء المصطفین من عباده، من هم؟ فقيل: هم الانبياء و قيل: هم بنو اسرائيل الداخلون فی قوله: ان الله اصطفى آدم و نوحاً و وقد نصّ النبي (ص) على علمهم با

القرآن و اصابه نظرهم فيه و ملازمتهم اياه بقوله في الحديث المتواتر المتفق عليه: إني تارك فيكم الثقلين. [۲۲].

روایات

اشاره

روایات فراوانی وارد شده که اهل بیت: را محور هدایت مردم دانسته و سعادت دنیا و آخرت را در گروه راهنمایی دینی و دنیایی مردم، توسط ائمه اطهار قرار داده‌اند.

حدیث ثقلین

پیامبر اکرم (ص): انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّٰه و عترتی اهل بیتی. ما ان تمسّکتُم بهما لن تضلّوا ابداً. من دو چیز گرانبهارا در میان شما باقی گذاشتم. کتاب خدا و اهل بیت خودم را، تا مادامی که به آن دو تمسک جوید هرگز گمراه نمی‌شوید. تا اینکه نزد حوض کوثر بر من وارد شوید.

حدیث سفینه

ابوذر می‌گوید: از پیامبر اکرم (ص) شنیدم که فرمود: مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح، من نوح، من ركبها نجی و من تخلف عنها غرق. [۲۳].

حدیث امان

قال رسول الله (ص): اهل بیتی امان من الاختلاف. [۲۴].

قرآن و حدیث

خداوند در سوره نحل آورده (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) - (بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ). علامه طباطبایی (ره) در ذیل این آیه طبق آنکه جمله فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ مقصود از ذکر پیامبر یا قرآن باشد. اهل ذکر را به اهل بیت تطبیق می‌دهند و از همین حمد بین بودن اهل بیت را استفاده می‌کنند. به فرض هم که گفته شود، خطاب خاص است، و مورد خاص مندرج در صدد آیه مد نظر می‌باشد، از آیه دوم به ضمیمه حدیث ثقلین بین بودن اهلیت نسبت به قرآن استنتاج می‌شود. [۲۵]. و فی الآیه دلالة علی حجیة قول النبی (ص). فی بیان الآیات القرآنیة، و امّا ما ذکره بعضهم انّ ذلك فی غیر النص و الظاهر من المتشابهات او فیما یرجع الی اسرار کلام و ما فیہ من التأویل فی، لاینغی ان یصفی الیه هذا فی نفس بیانه، و یلحق به بیان اهل بیته لحدیث الثقلین المتواتر و غیره. در برخی از کتب اهل سنت نیز اهل ذکر را به ائمه تفصیل کرده‌اند. [۲۶].

علم معصومین

انبیاء و اولیای الهی براساس مقام والای تقوی و یقین و به سبب الهامات و افاضات پروردگار، قادر به شهود و رؤیت عوالم عالیه غیر مادی و درک حقایق و بواطن امور هستند، که از دید حس انسان خارج هستند. اینگونه است که پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم:

به سبب داشتن مقامات الهی (عصمت و علم غیب) آگاه به حقایق آیات تکوین و آیات تشریح قرآن کریم هستند. یعنی هم دبوطن (و ملکوت آسمان زمین و هم دبوطن) قرآن مجید را درک می‌کنند و آگاهی کامل و تمام به مراد الله در قرآن دارند (علم تأویل). به همین دلیل بود که خداوند اشرف مخلوقات پیامبرش را به معراج می‌برد، برای مشاهده آیات الهی (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِّنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ). [۲۷] پس از آنکه مشاهدات و معاینات، توسط پیامبر انجام شد خداوند فرمود: (لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى). [۲۸]. و با توجه به آن مقام تفسیری امام علی و به تبع آن مقام تفسیری سایر ائمه مشخص می‌شود. که پیامبر در مورد علی (ع) فرمودند: انک تسمع ما اسمع و تری ما اری الالست نبی.

ضرورت وجود امام مفسر

عقلی

هدف از خاتمیت وقتی به بار خواهد نشست که آخرین قانون وحیانی به بلندای زمان پایدار مانده و پاسخگوی نیازهای بشر باشد، در همین راستا تحریف ناپذیری قرآن در طول تاریخ به اثبات رسیده ولی این بدان معنا نیست که قرآن برای پرورش، در به دست آوردن کمالات نیاز به مکمل ندارد. زیرا همه احکام را نمی‌شود از ظاهر قرآن به دست آورد. همانطور که بعد از پیامبر مشاهده شد که چگونه وضو گرفتن که پیامبر آن را در منظر همه انجام داده بود مورد تحریف واقع شد. پس همان‌دلیلی که بعثت انبیاء را ممکن و الزامی می‌سازد اصل وجود امام را تحقق می‌بخشد. امامی که با ملکه عصمت و علم‌خدادادی، در تبیین و تفسیر و حفظ قرآن از آسیب پذیری قرآن جلوگیری کند.

تاریخی

در طول تاریخ و در ادیان الهی قبلی مشاهده شد که به علت تفاسیر نادرست ادیان الهی قبلی مورد تحریف واقع شد. و آیامی شود که پیغمبر خاتم با وجود دانستن این موضوع چاره‌ای در این باره نیندیشیده باشد. حتی با وجود چنین چاره‌اندیشی باز هم مشاهده می‌شود که بعضی تفاسیر غلط انجام شده و عده‌ای بر اتکای تفسیر به رأی سبب گمراهی شدند.

تاریخ تفسیر ائمه

اشاره

مطمئناً اولین فردی که اقدام به تفسیر قرآن کرده، شخص رسول اکرم بوده، همانطور که قرآن می‌فرماید: (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)، [۲۹] و مبین مطلب است. و بعد از پیامبر جانشین ایشان از امام علی (ع) به گواهی و روایات و تاریخ عهده دار این مسئولیت بوده‌اند. روایت صحیح‌السندی گزارش می‌کند که پیامبر قرآن و مجملات آن را جز برای یک نفر تفسیر نفرمودند و سپس منزلت آن فرد را نیز یاد آور شدند و آن کس همانان امام علی (ع) بودند که ایشان نیز کرسی تفسیر را به جانشینان پس از خویش منتقل ساخته و بدین سان طبقات مفسران در میان معصومین پدیدار گشت. [۳۰]. در برخی روایات آمده لنافسّر قبل ان یفسر فی الناس. [۳۱]. در بین ائمه امام علی (ع) نقش ویژه‌ای در تفسیر و تبیین قرآن داشته‌اند و این مطلب از گواهی موافق و مخالف فهمیده می‌شود. از جمله آنان ابن عباس، مفسّر بزرگ قرآن می‌باشد که تصریح می‌کند: من هر چه آموخته‌ام از علی ابن ابیطالب است. که آراء تفسیری امام علی (ع) در تفسیر و بیانات ابن عباس کاملاً منعکس است. و بعد از حضرت بقیه معصومین به

ترتیب آمده و خدماتی مشابه حضرت ارائه داده‌اند و تفسیر روایی زیادی را عرضه کرده‌اند.

امیرالمؤمنین و تفسیر قرآن

در مورد علم علی(ع) و آگاهی ایشان به تفسیر قرآن همه اتفاق نظر دارند. امام بدر الدین زرکشی می‌گوید: سرآمد مفسران از صحابه علی ابن ابیطالب است و سپس ابن عباس که حیات خود را وقف تفسیر کرده بود. لذا، تفسیر به جای مانده از وی افزون از علی است گرچه ابن عباس علم تفسیر را از علی(ع) آموخته. وی در این باره می‌فرماید: ما اخذت من تفسیر القرآن فعن علی بن ابی طالب آنچه از تفسیر قرآن دریافت نموده‌ام از علی(ع) است. [۳۲]. ابوطفیل می‌گوید علی(ع) فرمود: پیرسید از من! پیرسید از من! پیرسید از من در باره کتاب خدای تعالی به خدا سوگند، هیچ آیه‌ای در قرآن نیست مگر اینکه من می‌دانم در شب نازل شده، یا روز در دشت فرود آمده یا در کوه. [۳۳]. در مورد اعلمیت علی(ع) از عطاء بن ابی ریح می‌پرسند: اکان فی اصحاب محمد(ص) علم من علی(ع)؟ در پاسخ می‌گوید: لا والله لا اعلمه. [۳۴]. عبد الله ابن مسعود می‌گوید قرآن بر هفت حرف نازل شده که هر حرف آن دارای ظاهر و باطنی است و علی ابن ابیطالب ظاهر و باطن تمام آنها را می‌داند. [۳۵]. روزی ابن مسعود میان پیروان خود گفت اگر کسی را نسبت به کتاب خدا از خود داناتر می‌یافتم بار سفر به سوی او می‌بستم. در این هنگام یکی از میانه گفت، آیا با علی برخورد کردی؟ گفت آری: محضر او را درک کردم و از او درس‌های فراوان آموختم او بهترین و داناترین فرد پس از پیامبر بود. او را دریای یافتم که چون سیل خروشان بود. [۳۶].

ائمه و تربیت مفسران

از موارد شاخص کارهای تفسیری ائمه تربیت اساتید این فن و به خدمت گرفتن آنان برای تفسیر قرآن، برای مردم می‌باشد، که به برخی از این مفسران اشاره می‌شود: عبد الله بن عباس: پسر عمّ پیامبر که اکثر محققان اسلامی ابن عباس را شاگرد امیر المؤمنین و از خواص تلامیز او معرفی می‌کنند. [۳۷]. و این مطلب را خود او نیز بارها تصریح کرده. وی در طول تاریخ به القاب مختلفی شهرت یافته مانند: ترجمان القرآن، فارس القرآن، جهر الامه، بحر الامه و پیامبر بارها ایشان را مورد تشویق و دعای خیر خویش قرار داده‌اند از جمله دعا کردند اللهم علمه الحکمه. [۳۸]. امام علی(ع) تفسیر ابن عباس را ستود و مردم را به فراگرفتن تفسیر از ابن عباس تشویق کرده‌اند. از جمله فرمودند: ابن عباس کائما ينظر الى الغيب من ستر رقيق. [۳۹]. عبد الله ابن مسعود: وی یکی از بزرگترین اشخاص از صحابه به شمار می‌آیند و به علو مقام شامخ اهلیت: و امیر المؤمنان اذعان دارند و در زمان حیات پیامبر(ص) نزد آن حضرت برای کسب فیض زانوی شاگردی بر زمین گذاشته. شیخ صدوق در کتاب امالی از ابن مسعود نقل می‌کند که گفت: تفسیر ۷۰ سوره از قرآن را که از دهان پیامبر شنیده بودم، نزد خود حضرت قرائت کردم و بقیه را نزد بهترین این است و داناترین ایشان بعد از پیامبر اکرم(ص) یعنی علی ابن ابیطالب فراگرفتم. [۴۰]. ابو حمزه ثمالی: ثابت بن دینار ابو حمزه ثمالی از دی کوفی از بزرگان اهل حدیث و مقربان درگاه اهلیت: بودند. فضل ابن شاذان روایت می‌کند که امام علی بن موسی الرضا در مورد او فرمود: ابو حمزه ثمالی لقمان و یا (سلمان) زمان خود بود. وی محضر پر برکت سه امام معصوم، علی ابن الحسین(ع) محمد بن علی(ع) و جعفر بن محمد(ع) را تماماً و برهه‌ای از دوران امام موسی بن جعفر(ع) را درک کرده و مورد عنایت آنان بود. جابر جحفی: ابو عبد الله کوفی و عرب اصیل است ولی کتاب دارد تحت عنوان تفسیر القرآن شیخ طوسی او را از اصحاب امام باقر و امام صادق: شمرده، همچنین سید حسین صدر گفته است: جابر ابن یزید جعفر از پیشوایان حدیث و تفسیر است و آنها را از امام باقر(ع) آموخته. [۴۱]. سعید بن مسیب: ابن مدینی می‌گوید: در میان تابعان کسی به گستره علمی سعید نمی‌شناسم نخستین برجستگی او این است که دست پرورده امیر المؤمنین علی(ع) است، امام علی(ع) او را بنا به وصیت جدش (حزن) در دامان خویش

پروراند.

ائمه و نهی از تفسیر به رأی

همزمان با تفسیر گویی صحابه پیامبر، جعل احادیث، تحریف معنوی آیات و انحراف انکار از حقایق قرآن کریم توسط افرادی موجود دنیا طلب آغاز شد که در مدح حکومت و منصب داران و به ذم اهل بیت و به تأویل باطل و تفسیر به رأی در آیات قرآن پرداختند. روایات در ذم تفسیر به رأی به طور متواتر از شیعه و سنی نقل شده که برخی از آنان عبارتند از: ۱ - عن ابی عبد الله (ع) قال: من فسر القرآن برأیه فاصاب، لم یؤجر و ان اخطأ کان ائمه علیه. [۴۲]. ۲ - امام صادق می‌فرماید: من فسر القرآن برأیه آیه من کتاب الله فقد کفر. [۴۳]. ۳ - عن النبی من قال فی القرآن تعبیر علم فلیتوبء مقعده من النا. [۴۴]. ۴ - مرحوم کلینی از امام باقر (ع) روایت می‌کند که آن حضرت به قتاده، مفسر معروف فرمود: و یحک یا قتاده! [۴۵] ان کنت انما فسرت القرآن من تلقاء نفسک فقد هلکت و اهلکت و ان کنت قد فسرت من الرجال فقد هلکت و اهلکت. وای بر تو ای قتاده اگر از جانب خود قرآن را تفسیر کنی (بدون اینکه از پیشوایان بگیری) هم خودت هلاک شده‌ای و هم دیگران را هلاک کرده‌ای همچنین است اگر تفسیر قرآن را از اندیشه‌های دیگران بگیری. ۵ - عن امیر المؤمنین علی (ع) قال: قال رسول الله (ص): قال الله عزوجل جلاله ما آمن بی من فسر برأیه کلامی، [۴۶] خداوند می‌فرماید: کسی که قرآن مرا به رأی خود تفسیر کند ایمان به من نیاورده.

بررسی روایات تفسیر به رأی

در روایات تفسیر به رأی نکات بسیار زیادی است که نشان از اهمیت این موضوع در نزد ائمه است. ۱ - روایات با صراحت تفسیر به رأی را مورد نکوهش قرار داده و مجازات برای آن تعیین نموده‌اند. ۲ - منظور از رأی خود شخص است نه اینکه رأی و نظری که برگرفته از ادله و منابع صحیح است. ۳ - در تفسیر به رأی، تفاوتی ندارد و مفسر یک آیه را تفسیر کند، بخشی از قرآن چرا که: امام صادق (ع) فرمود: آیه من کتاب الله. ۴ - برخی از روایات تفسیر به رأی را هر چند درست هم باشد مورد نکوهش قرار می‌دهد. مانند روایت نبوی مهن فسر القرآن برأیه فاصاب الحق فقد اخطأ. ۵ - از مواردی که حکم صادر کردن از قرآن موجب هلاکت انسان است، اینست که بدون آشنایی با ناسخ و منسوخ در باره قرآن نظر دهد. چنان که از سخن امام علی (ع) استفاده می‌شود که به آن قاضی فرمود: چون ناسخ و منسوخ را نمی‌شناسی خود و دیگران را هلاک کرده‌ای.

تمایز مکتب تفسیری اهل بیت

اصالت بخشیدن به قرآن

ائمه معصومین تعالیم و آموزه‌های خود را بر پایه و شاخص قرآن سنجیده‌اند و صدها گفتگو و جدال با موافقان و مخالفان بهترین گواه این مطلب است. اگر ائمه مرجع بودن خود را برای مردم گوشزد می‌کرده‌اند بدان دلیل است که خود مرجعشان راقرآن قرار داده بودند. اینگونه اصالت بخشیدن به قرآن و مرجع قرار دادن در تمام شئون زندگی (افکار و رفتار) می‌توان دید. همانطور که در عبارت، خدا را می‌پرستیدند، تعالیم خود را نیز خدایی کرده و رنگ و بوی قرآنی داده‌اند. ای مردم هر آنچه از جانب من به شما رسید و مطابق قرآن بود آن سخن را من گفته‌ام، در روایتی مردم کلینی به سند صحیح از هشام بن حکم: هر آنچه از من به شما رسید که مخالف کتاب خدا بود، من آن را نگفته‌ام. روزی امام رضا (ع) در باره دو حدیث مختلف در یک مسأله که اصحاب پیرامون آن اختلاف کرده بودن: هرگاه دو خبر مختلف به شما رسید آن دو را بر کتاب خدا عرضه کنید. آنگاه طبق آنچه به صورت

حلال و مرام از کتاب خدا موجود است، آن حدیثی را که مطابق کتاب است پیروی کنید.

حجم آگاهی ایشان در مورد مفاهیم قرآنی

از شواهد که به این مطلب گواهی می‌دهد: ۱ - مفاهیمی از قبیل اهل الذکر الراسخون فی العلم، الذین اوتو العلم، عنده علم الکتاب و را به عنوان کامل‌ترین مصداق برخورد منطبق ساخته یا آنها را در خود منحصر ساخته‌اند. ۲ - قرآن که با دو جنبه تأویل و تنزیل بر پیامبر نازل گشته هر دو علم آن بعد از رسول الله به اوصیای او انتقال یافته. ۳ - آنان آگاهان از ظاهر، باطن، تأویل، محکم و متشابه و جزئیات دیگری از قبیل شأن نزولها، عنصری بودن و یا سفری بودن آیات می‌باشند. شهرستانی: متکلم اهل سنت: ما القرآن هدی للناس عامه و هدی و رحمه لقوم يؤمنون خاصه و هدی و ذکر للنبی و لقومه احض من الاول و الشانی و انه لذكر لك و لقومك، و لقد كانت الصحابه متفقین علی ان علم القرآن مخصوص باهل بیت. اذا كانوا یسألون علی بن ابیطالب حل خصصتهم اهل البیت دوننا بشیء سوی القرآن و کان یقول: لا و الذی فلق الجته و برأ و السنه الایمانی تراب سیفی - هذا فا استثناء القرآن با التخصیص دلیل دعای اجماعهم بأن القرآن و علمه و تنزیله و تأویله مخصوص بهم. ۴ - دانش اهلیت نسبت به قرآن در تمام زمانها قابل انطباق و کاربردی است. ۵ - در علم اهلیت هرگز اختلاف نمی‌باشد، چون آنان از راسخان در علم‌اند.

اصول و مبانی تفسیری اهل بیت

اشاره

اهل بیت: دارای مبانی روشن و مستدل در تفسیر قرآن می‌باشند که همگی بر آمده از نصوص و ظواهر قرآن است. که عمده این مبانی عبارتند: [۴۷].

قرآن کتابی است که به زبان مردم نازل شده

در قرآن با صراحت آمده: (فَإِنَّمَا يَسْرُنَاهٗ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ)، [۴۸] قرآن را به زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکر شوند، (نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ) - (عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ) - (بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ). [۴۹]. با این مبنا به دو نکته می‌رسیم: ۱ - قابل فهم بودن قرآن، ۲ - حجیت ظواهر قرآن.

قرآن کلام خدا است

التزام به این مبنا تفاوت مدلول‌های قرآن را با کلام بشری انکار می‌سازد چرا که آیات قرآن هیچگاه یکدیگر را تکذیب نمی‌کنند. قال امیر المؤمنین علی (ع): ان الکتاب یصدق بعضه بعضاً، واضح لاختلاف فیه، قال سبحانه ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً. [۵۰].

التزام به وحی بیانی

در بسیاری از موارد آیات قرآن به صورت کلی آمده و تفصیل آن در قرآن نیامده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: خداوند فرمان خواندن نماز را بر پیامبر نازل کرد ولی در مورد سه رکعت یا چهار رکعت بودن آن سخنی به میان نیاورد و پیامبر آن را تفسیر کرد. [۵۱].

یاری جستن از قواعد عقلی

خداوند مردم را به دو رسول هدایت کرده رسول ظاهری (پیامبران) و رسول باطنی (عقل). و چه بسا که برخی از آیات تنها به استناد قواعد عقلی و استلزامات عقلی قابل تفسیر باشند و عدم توجه به قواعد و استلزامات قطعی عقلی انحراف از تفسیر را موجب می‌شود. [۵۲].

روش‌های تفسیری اهل بیت

تفسیر قرآن به قرآن

ریایی پیشینه تفسیر قرآن به قرآن از رهگذر تاریخ‌شناسی تفاسیر کهن و نمونه‌شناسی تفاسیر معصومان، این حقیقت را انکار می‌سازد که این روش تفسیری ریشه در آغازین روزهای نزول وحی و پیدایش تفسیر دارد. اساساً سنگ بنیادین آن به دست مبارک شخص رسول اکرم و سپس امامان معصوم استوار گردیده است. و این روش از سوی پیامبر (ص) و اهل بیت گرایش مورد تأکید و تکریم قرار گرفته است. [۵۳]. علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد: و کانت طریقتهم فی التعلیم و التفسیر هذه الطریقه (تفسیر قرآن به قرآن) بعینها علی وصل الینا اخسارهم فی التفسیر. [۵۴]. نمونه از تفسیرهای قرآن به قرآن: از امیر المؤمنین روایت شده که در تفسیر واژه الظالمین در آیه لاینال عهد الظالمین. [۵۵] فرمودند که ای المشرکین و دلیل تفسیر ظالمین را به مشرکین را به کمک آیه دیگری از قرآن چنین فرمودند: لانه سمی الشرک ظلماً یقوله و ان الشرک لظلم عظیم. [۵۶]. البته در این نوع تفسیر ائمه گاهی آیه‌ای را با آیه دیگر، یا اینکه صدر و ذیل باهم تفسیر می‌کند و با تفسیر آیه به تفسیر ویژه‌آیه دیگر که در احادیث این انواع به چشم می‌خورند.

تفسیر با استناد به قواعد عربی

در روایات اهل البیت مشاهده می‌شود که ائمه گاهی با استناد به معنای دقیق واژه‌ها و نیز ارتباط بین اجزاء کلام نکته‌ای بدیع به عنوان تفسیر آیات بیان کرده‌اند. زراره می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: ممکن است بفرمایید از کجا دانستید که تنها بر قسمتی از سر و قسمتی از پاسخ لازم است؟ آن حضرت پس از تبسمی فرمود: ای زراره! این حکم را پیامبر (ص) اینگونه فرمود و خداوند نیز در قرآن چنین نازل کرده، زیرا خدای متعال می‌فرماید: فاغسلوا وجوهکم. [۵۷]. پس ما دانستیم سزاوار است تمام صورت شسته شود. و سپس فرمود: و ایدیکم الی المرافق. آنگاه حکم را چنین بیان کرد و امسحوا برؤ و سکم پس ما از مدلول حرف ب از برؤ و سکم فهمیدیم که مسح تنها بر بخشی از سر واجب است. آنگاه همانطور که ایدیکم را به وجوهکم وصل کرد و ارجلکم را به رؤوسکم عطف نمود و فرمود و ارجلکم الی الکعبین پس ما فهمیدیم که باید بخشی از دو پا را مسح کرد. [۵۸].

روش تفسیری روایی

از روش‌های تفسیری اهل بیت: تفسیر قرآن به سنت و روایات است، اگر چه سخنان همه آنان حجت، و مصداق سنت است، اما آنان در تفسیر خود به سنت پیامبر (ص) و امامان قبلی (آباء و اجداد) خود استدلال می‌کردند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱ - استدلال به فعل پیامبر ۲ - استناد به قبول پیامبر ۳ - استناد به قول علی ۴ - استناد به قول امام صادق و امامان دیگر، برای مثال: اینکه در مجلسی که علی بن موسی الرضا حضور داشت در مود ثم لتستلن یومئذ عن النعیم سؤال شد عده‌ای گفتند که منظور آب سرد است امام رضا می‌گویند: همین مسأله نزد جدم امام صادق (ع) مطرح شد اما آن حضرت خشمگین شد. و می‌فرمود: نعیم محبت

نسبت به ما اهل بیت پیامبر است. [۵۹]. امام رضا(ع) برای روشن شدن معنای نعیم استناد به قول امام صادق نمود و امام صادق نیز به گفتار امامان پیشین تا به قول امام حسین(ع) رسید که از قول رسول خدا، نعیم را به ولایت همیشگی ائمه تفسیر نمود.

تفسیر عقلی

امامان معصوم: گاهی در تفسیر آیات قرآن به ویژه آیاتی که مربوط به عقاید و اثبات توحید و یگانگی خداوند است. از براهین و قواعد عقلی استفاده کرده. معنای آیه را روشن و شک و ابهام را از آیه می‌زدودند. این روش ممکن است دارای اقسامی باشد که به دو قسم مهم آن در اینجا اشاره می‌شود. ۱- تصریح به قوانین: در تفسیر کلا- إِنْهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ، امام رضا(ع) می‌فرماید: ان الله لا يوصف بمكان يحل فيه فيجب عنه فيه عباده و لكنّه عزوجلّ يعنى انّهم عن ثواب ربهم محجوبون. [۶۰]. اینکه خداوند می‌فرماید: کفار از پروردگارشان پوشیده شده‌اند. منظور پوشش مکانی نیست که خداوند در مکانی است و پرده‌ای بین او و کفار خواهد بود، زیرا خداوند مکان ندارد بلکه منظور این است که آنها از ثواب پروردگارشان محرومند. ۲- بیان مستلزمات عقلی: منظور از این قسم این است که ائمه به نکته‌ای از آیه اشاره کرده‌اند که لازمه حکم، و عقلی است. عن جعفر بن محمد(ع) قال: و لا يأخذ الله عزوجل، البريء بالسقيم و لا يعذب الله عزوجل الاطفال بذنوب الآباء، ما فأنه قال في محكم كتابه و لا تزروا وازره و زر اخرى. [۶۱]. امام صادق(ع) برای روشن کردن آیه (۱۶۴ / انعام) که می‌فرماید: کسی بار گناه کس دیگر را به دوش نمی‌کشد، فرمود: خداوند عزوجل انسان سالم را به جای مریض مجازات نمی‌کند، همچنین اطفال را با کشتن پدر انسان عذاب نمی‌کند. (ظلم و ستم قبیح است).

تفسیر علمی

در اینگونه تفسیرها اشاراتی به مباحث علمی دارد. امیر المؤمنین در تفسیر فلا اقسام برب المشارق و المغارب، [۶۲] می‌فرماید: لها ثلاث مائه و ستون مشرقاً و ثلاث مائه و ستون مغرباً فيومها الذي تشرق فيه، لا تعود فيه الا من قابل و يومها الذي تعرب فيه، لا تعود فيه الا- فيه الا من قابل. [۶۳]. در این حدیث که مشارق و مغارب به صورت جمع آمده چنین توجیه می‌شود: برای مشرق ۳۶۰ و برای مغرب ۳۶۰ است که اشاره شده به کرویت زمین.

تفسیر به تاریخ

استفاده از تاریخ نیز فراگیر بوده و از گذشت پیشینیان برای توضیح و تبیین قرآن بهره می‌گرفتند. به طور مثال قرآن، فرعون را ذی الاوتاد نامیده است و فرعون ذی الاوتاد [۶۴] اما اینکه علت نامگذاری چیست؟ امام صادق در پاسخ ابان بن تغلب به این پرسش چنین گفتند: لانه كان اذا عدّ رجلاً بسطه على الارض على وجهه و مدّ يديه و جليه فأوتادها باربعة اوتاد في الارض و ربما بسطه على خشب فسبط فوتد رجليه و يديه باربعة اوتاد، ثم تركه على حاله حتى يهوت فسماه الله عزوجل فرعون ذی الاوتاد. [۶۵]. امام فرموده‌اند: چون آنها بدن‌های بزرگان، یا مخالفان خود را چهار میخ می‌کردند؛ بر چوبی می‌خوابانند و دو دست و دو پای آنها را میخ کرده و او را بدین حال رها می‌کردند تا بمیرند.

تفسیر قرآن به لغت

عن علی(ع) فی قوله تعالی: الذين يظنون انهم ملاقوا ربهم، [۶۶] يقول: يوقنون انهم مبعوثون و الظنّ منهم يقين. [۶۷] امام تفسیر کردند چرا که ظن در لغت هم به معنی شک و هم به معنی علم آمده، [۶۸] فی روایه ابی الجارود عن ابی جعفر فی قوله و ظن داود

ای و علم داود. [۶۹].

تفسیر به تشبیه و تمثیل

استفاده از یک الگوی خارجی برای درک بهتر مفهوم آیه. یهودی به امام علی (ع) می‌رسد و می‌گوید: این وجه ربک؟ (اشاره به وجه بقی و وجه ربک ذو الجلال و تقال علی بن ابی طالب: یا بن عباس: ایتینی بناء و حطب فاضرمها ثم قال: یا یهودی! این یکون وجه هذه النار؟ فقال: لاقف لها علی وجه، قال (ع) ربی عزوجل علی هذه المثل و لله المشرق و المغرب فائما تولو فثم وجه الله. حضرت نشان دادند بعضی از محسوسات وجه دارند ولی نمی‌توان آن را مشخص کرد. بعد فرمود: مشرق و مغرب همه از آن خداست و به هر طرف رد کنید خدا آنجاست.

پاورقی

- [۱] احزاب: ۳.
- [۲] مقدمه فی التفسیر و المفسرون، ج ۴ / ۱.
- [۳] مصباح المنیر، ده فسر / ۴۷۲.
- [۴] زبیدی، محمد رضا، تاج العروس، ماده فسر، ج ۷: ۳۴۹.
- [۵] التفسیر و المفسرون، محمد هادی معرفت، ج ۱: ۱۴.
- [۶] المیزان، ج ۱، المقدمه / ۴.
- [۷] البرهان فی علوم القرآن، ج ۱: ۱۳.
- [۸] فرقان: ۶.
- [۹] روح الجنان، ج ۱: ۹.
- [۱۰] بحار الانوار، ج ۹۲: ۱۹.
- [۱۱] منتخب الاثر: ۴۸.
- [۱۲] صحیح بخاری، ۶: ۲۶۴.
- [۱۳] ینابیع الموده، ۳/ ۲۴۵: ۵۹.
- [۱۴] صحیح بخاری، ج ۹: ۸۱.
- [۱۵] فرائد السمطین، ۲: ۲۵۷.
- [۱۶] امالی شیخ صدوق / ۲۸۳.
- [۱۷] احزاب: ۳۳.
- [۱۸] واقعه: ۷۹.
- [۱۹] فاطر: ۳۲.
- [۲۰] لقمان: ۱۳.
- [۲۱] روش‌ها و گرایش‌های تفسیر علوی مهفر، ۱۱۹.
- [۲۲] المیزان، ج ۱۷: ۱۴۷.
- [۲۳] کنز العمال، ج ۶: ۲۱۶.

- [۲۴] کنز العمال، ج ۶: ۱۴۹.
- [۲۵] برداشت از المیزان، ۱۲: ۲۶۱.
- [۲۶] احقاق الحق، ۳: ۴۸۲.
- [۲۷] اسراء: ۱.
- [۲۸] نجم: ۱۸.
- [۲۹] نحل: ۴۴.
- [۳۰] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.
- [۳۱] بحار، ۸۹، ۱۰۴.
- [۳۲] تفسیر و المفسرون ذهبی، ج ۱، ص ۸۹.
- [۳۳] الاتقان عربی، ج ۲، ص ۱۸۷.
- [۳۴] تفسیر و المفسرون ذهبی، ج ۱، ص ۸۹.
- [۳۵] اسد الغابۀ، ج ۴، ص ۲۲.
- [۳۶] سعد السعود، ص ۲۸۵.
- [۳۷] سفینه البحار، محدث قمی، ج ۲، ص ۱۵۲.
- [۳۸] التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۶۷.
- [۳۹] الاتقان سیوطی، ج ۲، ص ۳۱۹.
- [۴۰] امالی، ج ۲، ص ۲۰۹.
- [۴۱] تأسیس الشیعه للعلوم الاسلام، سید حسن صدر، ص ۳۲۶.
- [۴۲] تفسیر عیاشی، ج ۱: ۱۷.
- [۴۳] در دو روایت دیگر.
- [۴۴] التفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۱: ۶۰.
- [۴۵] تفسیر طبری، ج ۱: ۲۷.
- [۴۶] تفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۱: ۶۰.
- [۴۷] مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۲۹۲.
- [۴۸] دخان، ۵۸.
- [۴۹] شعراء، ۱۹۷ - ۱۹۵.
- [۵۰] نهج البلاغه، خطبه ۱۸.
- [۵۱] بحار، ج ۳۵، ص ۳۱۱.
- [۵۲] مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۲۹۶.
- [۵۳] المیزان، ج ۱، ص ۱۲.
- [۵۴] المیزان، ج ۱، ص ۱۲.
- [۵۵] بقره، ۱۲۴.
- [۵۶] لقمان: ۱۳.

[۵۷] مائده: ۶.

[۵۸] کافی، ج ۳، ص ۲۹.

[۵۹] برداشت نور الثقلین، حویزی، ج ۵: ۶۶۴.

[۶۰] معانی الاخبار، شیخ صدوق / ۳.

[۶۱] نور الثقلین، ج ۱: ۷۸۶.

[۶۲] معارج: ۴۰.

[۶۳] معانی الاخبار، صدوق، ص ۲۲۱.

[۶۴] فجر: ۱۰.

[۶۵] نور الثقلین، ج ۵: ۵۷۱.

[۶۶] بقره: ۴۶.

[۶۷] تفسیر عیاشی، ج ۱: ۴۶.

[۶۸] تحقیق فی کلمات القرآن، مصطفوی، ج ۷: ۱۷۹.

[۶۹] تفسیر قمی، ج ۲: ۲۰۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

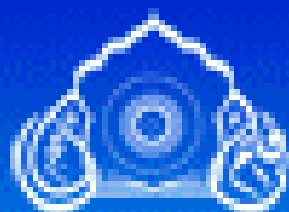
هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

